

به نام خدا

مرحله 1:

گزارش اصلی:

ملاحظات	اولین روز کارورزی
	روز چهارشنبه هفتم آبان ماه، اولین روز حضور من و دوستانم به عنوان کارورز در دبستان امام حسن عسگری (ع) واقع بلوار فردوس بود. آن روز تصمیم داشتیم که بسیار خاضع و خونسرد باشیم چون تصوراتی درباره برخوردی که قرار بود با ما در مدرسه شود داشتیم که دائماً من را به فکر کردن درباره رفتارم هنگام ورود به مدرسه و برخوردهای بعدی در مدرسه و می داشت. با دوستانم قرار گذاشته بودیم که طبق قوانین مدارس، رأس ساعت 7:30 دقیقه جلوی درب مدرسه حاضر باشیم تا با هم وارد مدرسه شویم. من زودتر از بقیه به مدرسه رسیدم، جلوی در مدرسه ایستاده بودم و دائماً ورود دانش آموزان به مدرسه و خروج والدین از مدرسه را مشاهده می کردم، آن طور که به چشم می آمد این مدرسه دارای دانش آموزانی بود که در خانواده های نسبتاً مرفه زندگی می کردند. در آن هنگام جلوی سوپرمارکتی ایستاده بودم که بیشتر بچه ها از آن خرید می کردند و بعد وارد مدرسه می شدند. از خرید خوراکی ها لذت می بردند، شادابی خاصی در چهره هایشان می دیدم، دیدن این دانش آموزان از استرس من کم می کرد و من را به یاد روزهای خوش گذشته که روزی خودم دانش آموز بودم می انداخت.

ساعت حدود هفت و نیم بود که دوستانم یکی یکی آمدند، ما به رسم ادب و احترام از قبل یک جعبه شیرینی تهیه کرده بودیم که برای اولین بار با دست پر وارد مدرسه شویم.

ازدردی که مخصوص ورود و خروج معلمان و کارکنان مدرسه بود وارد مدرسه شدیم. جلوی در سالن مدرسه آقای سرایدار نشسته بودند، زمانی که با ایشان سلام و احوال پرسی کردم، با روی خوش جلوی ما بلند شدند و ما را به دفتر معاونان مدرسه راهنمایی کردند، وقتی این برخورد را دیدم خوشحال شدم، نفس عمیقی کشیدم و با دوستان وارد دفتر معاونان شدم. آن زمان مدیر مدرسه مشغول نظارت بر برگزاری مراسم صبحگاهی بود. کمی منتظر ایشان ماندیم. بعد از پایان مراسم صبحگاهی آقای مدیر (جناب آقای کریمی) وارد دفتر شدند و ما را به اتاق خود دعوت کردند. با ایشان کمی درباره درس کارورزی صحبت کردیم و ایشان از خاطرات و تجارب خود در زمان دانشجویی در درس کارورزی برایمان صحبت کردند. سپس ما را با خود به کلاس‌های درس برده و یکی یکی به معلمان معرفی کردند. هریک از ما در یکی از کلاس‌ها قرار گرفتیم.

کلاسی که من در آن حضور داشتم کلاس پنجم بود. وارد کلاس شدم و بعد از احوال پرسی با دانش‌آموزان جلوی کلاس نزدیک معلم نشستیم. تعداد دانش‌آموزان در هر کلاس بیش از 30 نفر بود. دانش‌آموزان به اقتضای سنشان بسیار شیطنت می‌کردند و این برای من که اولین بار بود که با این صحنه مواجه می‌شدم بسیار تازگی داشت؛ اما معلم خاضعانه و با حوصله با آن‌ها رفتار می‌کرد. رفتارهای بعضی از دانش‌آموزان باعث بی‌مهری معلم می‌شد و این موضوع موجب می‌شد کمی تفاوت قائل شدن بین دانش‌آموزان از طرف معلم را احساس کنم.

	زنگ اول درس ریاضی داشتند که معلم به کمک دانش آموزان مشغول به حل کردن تمرینات درس "بخش پذیری" شدند. زنگ تفریح به همراه به معلم وارد دفتر معلمان شدم. آن جا نیز استقبال گرمی از من و دوستانم شد. ساعت بعد درس جغرافیا بود و ساعت آخر نیز درس فارسی بود. عقربه های ساعت به سرعت حرکت کرده و به جلو می رفتند. ساعت دوازده ظهر شده بود و دیگر اثری از استرس در من نبود. خیلی خوشحال بودم که همه چیز به خوبی پیش رفته بود. به همراه دوستانم به دفتر مدیر مراجعه کردیم، ایشان نظرات ما را درباره کیفیت کلاس ها پرسیدند و از اینکه ما در مدرسه حضور داشتیم اظهار رضایت می کردند و این موضوع نیرو و اشتیاقی صدچندان را در من پدید می آورد. ساعت 12:20 دقیقه از مدرسه خارج شدیم. در راه برگشت به خانه به تصمیم امروز خود فکر می کردم و از آن بسیار خرسند و راضی بودم.
--	---

مرحله 2:

گزارش خلاصه شده:

ملاحظات	اولین روز کارورزی (t)
	روز چهارشنبه هفتم آبان ماه، اولین روز حضور من و دوستانم به عنوان کارورز در دبستان امام حسن عسگری (ع) واقع بلوار فردوس بود. (sic) آن روز تصمیم داشتیم که بسیار خاضع و خونسرد باشیم. (e)

با دوستانم قرار گذاشته بودیم که طبق قوانین مدارس، رأس ساعت 7:30 دقیقه جلوی درب مدرسه حاضر باشیم تا با هم وارد مدرسه شویم. (crs)

در آن هنگام جلوی سوپرمارکتی ایستاده بودم که بیشتر بچه‌ها از آن خرید می‌کردند و بعد وارد مدرسه می‌شدند. از خرید خوراکی‌ها لذت می‌بردند، شادابی خاصی در چهره‌هایشان می‌دیدم، دیدن این دانش‌آموزان از استرس من کم می‌کرد و من را به یاد روزهای خوش گذشته که روزی خودم دانش‌آموز بودم می‌انداخت. (scei)

به رسم ادب و احترام از قبل یک جعبه شیرینی تهیه کرده بودیم که برای اولین بار با دست پر وارد مدرسه شویم. (s)

جلوی در سالن مدرسه آقای سرایدار نشسته بودند، زمانی که با ایشان سلام و احوال پرسی کردم، با روی خوش جلوی ما بلند شدند و ما را به دفتر معاونان مدرسه راهنمایی کردند، وقتی این برخورد را دیدم خوشحال شدم، نفس عمیقی کشیدم و با دوستان وارد دفتر معاونان شدم. (sce) آن زمان مدیر مدرسه مشغول نظارت بر برگزاری مراسم صبحگاهی بود. کمی منتظر ایشان ماندیم. بعد از پایان مراسم صبحگاهی آقای مدیر (جناب آقای کریمی) وارد دفتر شدند و ما را به اتاق خود دعوت کردند. (cs)

سپس ما را با خود به کلاس‌های درس برده و یکی یکی به معلمان معرفی کردند. هریک از ما در یکی از کلاس‌ها قرار گرفتیم. (sc)

وارد کلاس شدم و بعد از احوال پرسی با دانش‌آموزان جلوی کلاس نزدیک معلم نشستم (ics). دانش‌آموزان به اقتضای نشان بسیار شیطنت می‌کردند و این برای من که اولین بار بود که با این صحنه مواجه می‌شدم بسیار تازگی داشت؛ اما معلم خاضعانه و با حوصله با آن‌ها رفتار می‌کرد. رفتارهای بعضی از دانش‌آموزان باعث بی‌مهری معلم

	می شد و این موضوع موجب می شد کمی تفاوت قائل شدن بین دانش آموزان از طرف معلم را احساس کنم. (cies) ساعت دوازده ظهر شده بود و دیگر اثری از استرس در من نبود. خیلی خوشحال بودم که همه چیز به خوبی پیش رفته بود. (sie) به همراه دوستانم به دفتر مدیر مراجعه کردیم، ایشان نظرات ما را درباره کیفیت کلاس ها پرسیدند و از اینکه ما در مدرسه حضور داشتیم اظهار رضایت می کردند و این موضوع نیرو و اشتیاقی صدچندان را در من پدید می آورد. (cse) در راه برگشت به خانه به تصمیم امروز خود فکر می کردم و از آن بسیار خرسند و راضی بودم. (seo)
--	---

راهنما:

عنوان: (t) title

روایتگر: (i) I

شخصیت ها: (c) characters

شرایط، مکان، زمان: (s) situation

احساسات و نگرش ها: (e) emotion

قوانین: (r) rules

نتیجه: (o) outcome

مرحله 3:

گزارش تفکیک شده:

نکات اصلی	نکات فرعی	ملاحظات
آن روز تصمیم داشتم که بسیار خاضع و خونسرد باشم. دیدن این دانش‌آموزان از استرس من کم می‌کرد و من را به یاد روزهای خوش گذشته که روزی خودم دانش‌آموز بودم می‌انداخت. آن زمان مدیر مدرسه مشغول نظارت بر برگزاری مراسم صبحگاهی بود. مدیر ما را با خود به درکلاس ها برده و یکی یکی به معلمان معرفی کردند و هریک از ما در یکی از کلاس ها قرار گرفتیم. دانش‌آموزان به اقتضای سنشان بسیار شیطننت می‌کردند و این برای من که اولین	روز چهارشنبه هفتم آبان ماه ، اولین روز حضور من و دوستانم به عنوان کارورز در دبستان امام حسن عسگری (ع) واقع بلوار فردوس بود. با دوستانم قرار گذاشته بویم که طبق قوانین مدارس، رأس ساعت 7:30 دقیقه جلوی درب مدرسه حاضر باشیم. جلوی سوپر مارکتی ایستاده بودم که بیشتر بچه‌ها از آن خرید می‌کردند و از خرید خوراکی‌ها لذت می‌بردند. ما به رسم ادب و احترام از قبل یک جعبه شیرینی تهیه کرده بودیم که برای اولین بار با دست پر وارد مدرسه شویم.	

	جلوی در سالن مدرسه آقای سرایدار نشسته بودند، زمانی که با او سلام و احوال پرسری کردم، با روی خوش جلوی ما بلند شدند و ما را به دفتر معاونان مدرسه راهنمایی کردند. وارد کلاس شدم و بعد از احوال پرسری با دانش آموزان جلوی کلاس نزدیک معلم نشستیم. ساعت 12:20 دقیقه از مدرسه خارج شدیم.	بار بود که با این صحنه مواجه می شدم بسیار تازگی داشت؛ معلم خاضعانه و با حوصله با آن ها رفتار می کرد. رفتارهای بعضی از دانش آموزان باعث بی مهری معلم می شد و این موضوع موجب می شد کمی تفاوت قائل شدن بین دانش آموزان از طرف معلم را احساس کنم. زنگ تفریح به همراه به معلم وارد دفتر معلمان شدم . آن جا نیز استقبال گرمی از من و دوستانم شد. به همراه دوستانم به دفتر مدیر مراجعه کردیم، ایشان نظرات ما را درباره کیفیت کلاس ها پرسیدند. ساعت دوازده ظهر شده بود و دیگر اثری از استرس در من نبود. خیلی خوشحال بودم که همه چیز به خوبی پیش رفته بود. آقای مدیر از اینکه ما در مدرسه حضور داشتیم اظهار رضایت می کردند و این موضوع نیرو و اشتیاقی صدچندان را در من پدید می آورد.
--	--	---

		در راه برگشت به خانه به تصمیم امروز خود فکر می کردم و از آن بسیار خرسند و راضی بودم.
--	--	---

مرحله 4:

توصیف به روش پژوهش روایتی:

مقوله های مهم	موارد مربوط	مضامین
عنوان t:	اولین روز کارورزی	
شخصیت - ها c:	دانشجوی کارورز ، سرایدار ، مدیر مدرسه ، معاونان ، معلمان ، معلم راهنما و دانش آموزان	تعامل میان افراد

شرایط S:	ورود دانشجویان برای اولین بار به مدرسه ، عدم شناخت دانشجویان کارورز و مسئولان مدرسه از یکدیگر	تعامل میان افراد
موضع دانشجو در کلاس S:	دانشجو معلم در جلوی کلاس و نزدیک معلم نشسته و ضمن سکوت به مشاهده می پردازد .	
برخورد مسئولین مدرسه e:	برخورد محترمانه سرایدار ، مدیر ، مسئولان مدرسه و پذیرش مطلوب دانشجویان کارورز	احساسات و نگرش ها
راه حل ها se:	با دست پر (به همراه داشتن شیرینی) وارد شدن دانشجویان کارورز به منظور رعایت ادب و احترام ، رعایت ادب دانشجویان هنگام گفتگو با مسئولان مدرسه	
برداشت دانشجو e:	اگر من مدیر دبستان بودم تمام تلاش خود را می کردم تا برخوردی معقول و صمیمانه با کارورزان داشته باشم. اگر من معاون دبستان بودم سعی می کردم با لبخند با کارورزان رفتار کنم تا آنها هم احساس آرامش و راحتی بیشتری در مدرسه داشته باشند. اگر من معلم بودم تمام تلاش خودم را می کردم تا در نحوه ی رفتارم با دانش آموزان صرفا به دلیل حضور کارورز ذره ای تغییر ایجاد نکنم.	
نتیجه f:	پذیرش دانشجویان کارورز با روی گشاده، رضایت دانشجو معلمان از اولین روز کارورزی.	

مرحله 5:

اگر من جای :

سمت	توضیحات	ملاحظات
معلم	صبورانه با دانش آموزان مدارا می کنم. در رفتار خود مهربان خواهم بود. دانش آموزان را با القاب خاص و بد صدا نمی زنم. بین دانش آموزان تفاوتی قائل نمی شوم.	
معاون	هنگام زنگ تفریح در حیاط مدرسه و در بین دانش آموزان به منظور نظارت بر آنها حضور خواهم داشت. برخوردی مناسب با اولیاء مراجعه کننده خواهم داشت. بعد از اتمام زنگ تفریح زمان ورود به کلاس های درس را به معلمان متذکر خواهم شد. بین دانش آموزان تفاوتی قائل نخواهم شد. با معاون دوم تعامل زیادی خواهم داشت. مقتدرانه عمل خواهم کرد.	
مدیر	هر روز صبح در مراسم صبحگاهی حضور می یابم تا به این وسیله به دانش آموزان بفهمانم که همه چیز در جای خود در مدرسه مهم است. مقتدرانه عمل می کنم. با معلمان تعامل بیشتری خواهم داشت. بر همه ی مسائل مدرسه نظارت خواهم کرد.	

نکته: در بخش "اگر من جای" تغییر فونت نشان دهنده نظر دانشجو در برابر مسائلی که خوش آیند وی نبوده است آمده است.

مرحله 6:

جمع بندی گروهی کارورزان مدرسه امام حسن عسگری "اولین روز کارورزی"

عناوین	توضیحات	ملاحظات
احساسات	همه کارورزان شوق و ذوق زیادی هنگام ورود به مدرسه داشتند و این احساس خوب توام با کمی استرس و نگرانی ناشی از اولین برخورد با مسئولین مدرسه بود. شباهت مدرسه ی مذکور به مدرسه ی دوران تحصیل کارورزان.	
سرایدار	برخورد خوب و یکسان با همه ی کارورزان.	
معاونان	برخورد معمولی و یکسان با همه کارورزان	

مدیر	استقبال گرم و بازگویی خاطرات دوره ی کارورزی خود. رفتار توام با لبخند مداوم بر چهره. معرفی کارورزان به معلمان.	
معلم راهنما	هر چهار معلم راهنما برخورد خوبی داشتند و دانشجویان کارورز را با رویی گشاده پذیرفتند و پیوسته راهنمایی های لازم را در اختیار کارورزان قرار می دادند.	
دانش آموزان	از حضور کارورزان خوشحال بودند.	
معلمان دیگر	پذیرفتن دانشجویان به عنوان معلم و همکار با صمیمیت در کنار خود و در دفتر معلمان.	
نتیجه	احساس رضایت و خوشحالی دانشجویان کارورز.	